پیام‌آوران بی‌خبر؛ وقتی خبر دیر می‌رسد

(گزارش از محمدرضا نوروزی)

در روزهای برف‌گیر، وقتی جاده‌ها بسته می‌شود و تلفن‌ها از کار می‌افتد، هنوز کسانی هستند که خبر را از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر می‌برند. آن‌ها نه خبرنگارند و نه کارمند رسمی، اما بدون آن‌ها بسیاری از روستاهای دامنه‌ی شمالی کوه‌سرخ هفته‌ها از دنیا جدا می‌ماند.

به گزارش ما، در زمستان ۱۴۰۱ بیش از ۱۲۰ روستا در این منطقه دست‌کم ۵ روز برق و تلفن نداشتند. در همان روزها، صدها نفر از همین پیام‌آوران خبر گرفتند که حال پدر پیر، مادر بیمار یا فرزند دانش‌آموز چگونه است. برای بسیاری از اهالی، این خبر مهم‌تر از هر گزارش رسمی بود.

از اسب تا موتورسیکلت برف‌روب

در گذشته این کار با اسب و قاطر انجام می‌شد. امروز بیشتر پیام‌آوران با موتورسیکلت برف‌روب یا وانت‌های دوکابین مسیر را می‌روند. اما وسیله عوض شده، مسئولیت سنگین‌تر شده است. آن‌ها باید مسیر را بشناسند، بدانند کدام پل ترک برداشته و کدام گردنه زودتر بسته می‌شود.

در بسیاری از روستاها، پیام‌آور فقط خبر نمی‌برد. او نسخه‌ی داروی سالمند را از داروخانه می‌گیرد، کیسه‌ی آرد را تحویل می‌دهد و گاهی حتی مبلغ کوچکی را برای خانواده‌ای می‌برد که در شهر فرزندی دارد. به همین دلیل، اعتماد مهم‌ترین سرمایه‌ی آن‌هاست.

۱۲۰ روستا در ۵ روز بی‌خبر

زمستان ۱۴۰۱ برای بسیاری از اهالی دامنه‌ی شمالی کوه‌سرخ زمستانی طولانی بود. برف از شب ۱۲ دی شروع شد و تا ۱۷ دی ادامه داشت. در این مدت، ۱۲۰ روستا در ۸ بخش بیلاقی بدون برق ماندند و بیش از ۹۰ تیر برق و ۴۰ دکل مخابراتی از کار افتاد. در همان روزها، صدها نفر از همین پیام‌آوران خبر گرفتند که حال پدر پیر، مادر بیمار یا فرزند دانش‌آموز چگونه است. برای بسیاری از اهالی، این خبر مهم‌تر از هر گزارش رسمی بود.